

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جمعی از اعضای سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)
۰۸ جون ۲۰۲۴



تداوم انقیاد، تسلیم طلبی و خیانت "اعلامیه ویژه" نویسان تحت نام و آرم «ساما»

(۱)
فهرست عناوین

- مقدمه

- سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

- ایدئولوژی رهنما

- مثنی سیاسی

- چوب بست تشکیلاتی

- چرا سوء استفاده تسلیم طلبانه از اعتبار مبارزاتی "ساما" و نامداران سامانی؟

- دفاع از "نظام جمهوریت"، دستاوردها، قانون اساسی، دموکراسی، آزادی بیان...

- "نظام جمهوریت"

- ماهیت طبقاتی و مفهوم اغواگر واژه "جمهوریت"

- "قانون اساسی"

- "اردوی ملی"

- "آزادی عقیده و بیان"

- "دموکراسی" و "انتخابات"

- "تکنوکراسی"

- "فساد در نظام جمهوریت"

- تضاد عمده

- اشتباه بوده است یا خیانت؟

- اشتباه

- خیانت

- خیانت ملی

- منافع ملی

- خیانت تاریخی

- منافع طبقاتی

- اشکال خیانت ملی و خیانت تاریخی تسلیم طلبان - α - λ - μ - ν

- "کار دموکراتیک علنی"

- آزادی ملی

- دموکراسی

- عدالت اجتماعی

- ترقی اجتماعی

- "وحدت - انتقاد - وحدت" یا "مبارزه - وحدت - مبارزه"؟

- اتهام "دروغ و شارلاتانی" به منتقدان و معترضان سامانی

- دروغ چیست؟

- "شارلاتانی"

- نسبت دادن مواضع انحرافی و خط تسلیم طلبانه به ساما و اغتشاش آفرینی در این زمینه

- "امارت دوم طالبانی"، موضع تسلیم طلبانه و اغتشاش آفرینی اعلامیه نویس در مسأله

- مؤخره

- منابع قابل استفاده در نگارش و تدوین این اثر و مراجع مطالعاتی

مقدمه

در هجدهم ماه جوزای سال روان (۱۴۰۲) شمسی به بهانه گرامیداشت از "روز شهداء" اعلامیه مبتدلی با عنوان "اعلامیه ویژه" نشر و به میزان خیلی محدود دست به دست شد که یک نسخه آن به دست ما نیز رسید. درونمایه تسلیم طلبانه و موضع گیری خائنه آن مبتدل، آشفته و ژولیده است. این ژولیدگی و مبتدل نویسی، جدا از محتوای انحرافی و تسلیم طلبانه "اعلامیه ویژه"، از سبک نوشتاری، توسل به سفسطه و تفتین و عدم تسلسل مطالب آن، نیز مشهود است. "اعلامیه ویژه" با اسم و آرم "ساما"، سراپا در تضاد با ارزش های بنیادین آن، در خط تسلیم طلبی ملی و طبقاتی مرکزیت منحرف و مطرود از ساحت این سازمان، نشر شده است.

محتوای سراپا انحرافی این "اعلامیه ویژه" در حقیقت اعتراف جانانه و آشکاریست بر تداوم تسلیم طلبی و خیانت ملی و تاریخی نویسنده و شرکاء و در عین حال گواهیست گویا بر انحراف، ارتداد، عدول و طرد کامل ایدئولوژیک، سیاسی، تشکیلاتی و آرمانی آنان از ایدئولوژی، موضع و دیدگاه طبقاتی، مشی سیاسی و موازین آئین نامه ئی پیشرو سامای انقلابی "مجید و رهبر". ای کاش نویسنده یا نویسندگان در نقش مداح/مداحان استعمار با اسم و رسم خود چنین اعترافی

می کردند و نام نامی "ساما" و اسامی گرامی و ارجمند زنده یادان "مجید" معمار و "قیوم رهبر" سکندار ماهر این سازمان را ضم این پلشتی های تسلیم طلبانه و خائنه شان نمی کردند.

هر چند تسلیم طلبان اعلامیه نویس در عمق انحطاط، ارتداد و افلاس فکری - سیاسی و شکست کامل اخلاقی و خفته در آغوش اربابان و متولیان امپریالیست شان دور از وسواس و مؤاخذه سازمانی و مردمی، ولی به دلیل هراس از مؤاخذه تاریخ، هویت فردی و حقیقی شان را تحت نام "ساما" کتمان کرده اند، اما از محتوای نگاشته رسوای شان، از فحواي کلام و سبک نگارش "اعلامیه ویژه" پیداست که کار یک فرد، آنهم فرد شناخته شده ایست که به غلط خود را "شاهین" پنداشته و منتقدان را بابت "نوک زدن به بال شاهین" سرزنش کرده و طعنه می زند. در جا جای نوشته از جمله در صفحه دهم فعل حال استمراری "می نمایم" به کار رفته است. صرف نظر از غلطی رایج دستوری استعمال "می نمایم" به جای "می کنم" یا "می دهم"، کاربرد فعل "می نمایم" به خودی خود می رساند که ضمیر (گوینده یا نویسنده) باید متکلم مفرد یا شخص اول مفرد (من) در زمان حال استمراری باشد، نه متکلم جمع (ما). دوری گزینی و بگو مگوی دو سه تن از همراهان خیانت این مفتن رسوا پس از نشر اعلامیه، نیز دلالت بر چنین امری دارد.

محتوای اعلامیه مبتدل سرباند تسلیم طلب چند بخش ناهمگون دارد که یگانه همگنی میان بخش های آن، انحراف از مواضع، تحلیل و دیدگاه های طبقاتی، "درونمایه فکری"، مشی سیاسی و موازین سازمانی و موضع ضد امپریالیستی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) و تقابل با آن، زیر نام و آرم سازمان است.

یک بخش آن در دفاع از "نظام جمهوریت"، "دستاوردها"، "قانون اساسی" مستعمراتی، "ترکیب حاکمیت"، عوامل سقوط "نظام جمهوریت" و سوگواری در مرگ و نوحه سرانی بر سر جسد متعفن و متلاشی شده "نظام جمهوریت" است.

بخش دوم آن در مذمت و نکوهش شارلاتان مابانه همزمان دیروزی مخالف و منقد این مطرودان از جاده انقلاب و آزادیخواهی است که چرا اینان را "تسلیم طلب"، "پورتونیست"، "خائن" و "دلال امپریالیسم" می نامند.

بخش بعدی انکار تسلیم طلبانه تضاد عمده جامعه اشغالی ما به منظور و ارونه نشان دادن ماهیت "تغییر یافته" امپریالیسم استعمارگر در کشور ما، لاپوشانی جنایاتش و میرا دانستن آن از جنایات ارتجاع بومی و ریختن آب تظہیر بر دستان خون آلود امپریالیسم اشغالگر، قاتل و جنایتگستر امریکا - ناتو است.

بخش چهارم دید انحرافی و ضد دیالکتیکی نویسنده را از طالبان و حامیان بیرونی و درک نادرست شان از پایگاه طبقاتی طالبان، در تلاشی تسلیم طلبانه و خائنه جدا کردن طالبان، سلطه تراز فاشیستی و کوهواره جنایاتش از آفریدگار آن امپریالیسم امریکا و شرکاء و میرا دانستن امپریالیسم امریکا و شرکاء از این جنایات هولناک جنایتکاران طالبی و انکار ماهیت کمپرادوری طالبان و پیوند نزدیک آن با سرمایه مالی، نئولیبرالیسم و صاحبان سرمایه غارتگر مالی بیرونی است.

بخش بعدی هذیان ها و "اندرز های حاشیه نشین" انقیاد طلبانه یک حراف طلبکار و هرزه گوی خطاب به مردم و نیرو های "اپوزیسیونی" کشور که چگونه با احتساب عامل قدرت و جبر در محاسبات شان، باید با جباران تاریخ وارد "تعامل" شوند، به منطق زور تن بسپارند، فروتنانه و مطیعانه زیر یوغ سنگین قلدران زمان گردن نهند و مقدرات خویش را به دست استعمار بسپارند یا به دلخواه او رقم زنند.

تم یا سوژه اصلی بحث "اعلامیه ویژه" در امتداد خط تسلیم طلبی و خیانت دیروزی این باند تسلیم طلب، از این تحلیل و دستور اربابان امپریالیست ناشی می شود که در حالی که در کشور فاشیسم طالبانی به مدد دول امپریالیست اشغالگر و جنایتگستر غربی به رهبری امریکا و ارتجاع حاکم منطقه لجام گسیخته بر کلیه عرصه های زندگی مردم افغانستان می

تازد و طبق ادعای این هجویه نویس، "... همه نیرو ها و عناصری که حاکمیت را قبضه و به انحصار کشیده بودند، امتحان پس داده، در سراسیب شکست، رسوائی و درماندگی قرار دارند"، باید "به شکل بی سابقه در میدان سیاست" به "شکار فرصت ها" توسط یک گروه فریبکار و عوام فریب در نقش نوکران نو به ظاهر روشنفکر مآب، "مدرن" و "دموکراتیک" دست یازید. این مهم به زعم اعلامیه نویس و اربابانش، با سوء استفاده از تاریخ دو سه نسل جانبازی و سنگر گرفتن در پشت "سلسله کوهی" که "قله های شامخ و ستیغ اش" نماد "حماسه و اسطوره، مقاومت و پاکبازی" بوده است، میسر می گردد.

قابل یادآوری است که سطر سطر و سرپای این طومار تسلیم طلبانه آکنده از انحراف، ارتداد و خیانت، مضمّن کننده و قابل نقد و رد است؛ ولی پرداختن به کلیه مفردات آن را ضیاع وقت گرانبهای خوانندگان و نویسندگان نقد این خزعبلات و چرندیات تسلیم طلبانه و شارلاتان مآبانه، یافتیم. از جانبی، این ترهات انقیاد طلبانه و انحرافی دلال استعمار از همان لحظه طرح ثنوری رسوای مشهور به "ثنوری تچ" توسط ثنورسین تسلیم طلبی و سرباند تسلیم طلبان منحرف از خط انقلابی "ساما" و مطرود از ساحت منزه این سازمان، از درون پلنوم مکروریان در سال ۱۳۸۰ش در قلب کابل اشغالی تا پس از تدویر "جرگه" رسوای اول دلو ۱۳۸۹شمسی تسلیم طلبان و تا بعد ها، به کرات توسط اسناد و جلسات مشترک واحد ها، کادر ها و فعالان "ساما" و از خلال اسناد رسمی درونی و بیرونی به طور مستدل شلاق کش شده است. در این اسناد رسمی سازمانی، انحراف و عدول باند منحرف و تسلیم طلب از مواضع طبقاتی و تبیین تاریخی "ساما" از پدیده امپریالیسم (تسلیم طلبی طبقاتی و ملی) و امتداد آن تا سرحد ارتکاب "خیانت ملی" و "خیانت تاریخی" و در نتیجه طرد و به زباله دان ریختن این باند، مستدل و مسلم شده است. لذا، این لاطائلات انقیاد طلبانه این اعلامیه نویس/نویسان تکرار همان نغمه های تسلیم طلبانه و ساز کردن همان دنبوره شکسته دیروزی به نفع امپریالیسم و ارتجاع و گذشت به زیان منافع ملی ملت و منافع تاریخی زحمتکشان کشور است.

در حالی که تا لحظه تدویر معیاری و دموکراتیک سومین کنگره سازمان، یگانه مبنای هر نوع تحرک واحد ها و فعالان سازمانی، برنامه و آئین نامه سازمان است، "شاهین بال شکسته" ضمن این که هویت خود را در عقب نام و آرم "ساما" می پوشاند، با گفتن این که "... تکرار محض سیاست ها و شعار های آماده کلاسیک مربوط به خیزش های اجتماعی نیمه اول قرن بیست، کاری بی زحمت و آماده می باشد"، به رد و ابطال برنامه و آئین نامه سازمان حاوی ایدئولوژی انقلابی شامل فلسفه مترقی و دیالکتیک، موضع طبقاتی، مشی سیاسی (تاکتیک ها، ابزار سه گانه انقلابی و ستراتیژی مرحله ئی و نهائی) و موازین آئین نامه ئی سامای انقلابی در جایگاه گردان و ستاد پیشاهنگ طبقه کارگر و زحمتکشان افغانستان، به نفی "ساما" و نقش پیشاهنگی اش، به نفی "مجید" بانی و معمار "ساما" و تکامل فکری - سیاسی "مجید"، "رهبر" و سائر رهبران جانباز و ثنوری پرداز این سازمان می رسد. این نهیلیسم و نفی عبث یک عنصر/عناصر سپر انداخته به نفع استعمار - ارتجاع، در برخورد با یک اندیشه تکامل یابنده است. این درست است که خط فکری - سیاسی و موازین آئین نامه "ساما" در قرن بیستم تصویب شده است، ولی ریشه های این اندیشه انقلابی تکامل پذیر در روند پراتیک و شناخت نوع بشر و به ویژه زحمتکشان جهان برمی گردد به اوائل قرن نوزدهم و حتی قبل از آن، قبل از وضع و تدوین این نظام همبسته توسط واضعان نخستین آن. اما این اندیشه با خصلت تکاملی اش در نقش چراغ راهنما نه در قرن نوزدهم ایستاد و نه در قرن بیستم، زیرا ثنوری های اولیه این مجموعه نظام مند فلسفی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جریان پراتیک اجتماعی میلیون ها انسان به پاخاسته توسط تجارب حاصله و دستاورد های علمی پیوسته غنی و به روز شده و سیر ارتقائی پیموده است. این است درک ما از تکامل "اندیشه پیشرو عصر" و تمسک "ساما" و سامائی ها بدان و این است مبنای فعالیت و نقطه عزیمت فردی و جمعی سامائی ها.

ما نویسندگان این نقد بر این "اعلامیه" تسلیم طلبانه دلال استعمار، از همان بدو انحراف این باند و تئوریسین تسلیم طلبی در زمستان سال ۱۳۸۰ش، بدون اگر و مگر و توسل به "سیاست کجدار و مریز"، به رؤیت دیدگاه ها و مواضع و عملکرد انحرافی و تسلیم طلبانه مخالف دیدگاه ها و مواضع و عملکرد انقلابی و رهاپیکش "ساما" و استقبال این منحرفان از اشغالگران کشور و قاتلان خلق و سر برون آوردن شان از گریبان استعمار، از موضع استوار ملی و انقلابی "ساما" مهر انحراف، تسلیم طلبی و خیانت را بر جبین این دلالان استعمار کوبیدیم. جمع ما خیلی زود به شناخت منطقی از این خادمان کمر بسته امپریالیسم اشغالگر رسید. حال که در نتیجه تداوم خیانت و وقاحت این شیدان انقیاد طلب، شناخت از تسلیم طلبان و انحراف شان در گستره "ساما" تعمیق و گسترش یافته است، ما از این ارتقای آگاهی عمومی سامائی ها و "شورش بحق علیه مرتجعان" این باند مطرود "رهبری" استقبال می کنیم.

پس از تأخیری که ناشی از تأمل و تدبیر جمعی بوده است تا تعلل و تردید، بر آن شدیم تا در چند مورد اساسی از موضع شالوده های فکری - سیاسی، تحلیل و رویکرد طبقاتی و موضع صریح ضد امپریالیستی "ساما" انحرافات تئوریک تسلیم طلبانه "اعلامیه ویژه" نویسان و گذشت شان به نفع استعمار - ارتجاع و خیانت شان به اندیشه و راه و آرمان انقلابی "مجید" را (خیانت به موقعیت تاریخی) بار دیگر مستند سازی کنیم.

با این هدفمندی، قبل از همه، برای این که خواننده امروزی دید صائب از "ساما" و تاریخ آن داشته باشد، به اجمال چارچوبه آئینه اندیشه و پیکار و آرمان سامای انقلابی را در برابر خوانندگان و همزمان زنده یاد "مجید" قرار می دهیم تا افلاس تئوریک، استحاله و ورشکستگی فکری - سیاسی و انحراف از مشی و آرمان "مجید"؛ خیانت ملی و خیانت تاریخی این باند به مصالح علیای ملی، به طبقه کارگر و خلق تحت ستم افغانستان و سقوط شان تا سرحد دلالی استعمار همراه با کجی قامت شکسته و کژدیی اندیشه و عمل انحرافی آنان را در آن آئینه قدنما بنگرند؛ راهیان مصمم راه نیز راستی قامت و در عین حال عیوب و کاستی های خویش را در این آئینه تمام قد نگریند و در صدد رفع آن بر آیند و دور ماندگان از اصل نیز در پی وصلت میمون، سیمای خویشتن را در این آئینه تمام قد بیابند.

ادامه دارد